

www.ketab.ir

حاجتدان

بر اساس زندگی سردار شهید سیدابراهیم آلنجی

مریم عرفانیان

سرشناسه: عرفانیان، مریم، ۱۳۵۹ -
 عنوان و نام پدیدآور: چنانچندان: براساس زندگی سردار شهید سیدابراهیم آل‌نی
 مشخصات نشر: مشهد: ستاره‌ها، ۱۳۹۰
 مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۲۶-۹۹-۸
 موضوع: آل‌نی، سیدابراهیم، ۱۳۳۸ - ۱۳۶۶
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
 موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
 رده‌بندی کنگره: DSR۱۶۲:۶ ۱۳۹۰ ع ۷۲
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۵-۰۸۲۳۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۱۳۲۸



ستاره‌ها

۱۳۹۰

براساس زندگی سردار شهید سیدابراهیم آل‌نی

نویسنده: مریم عرفانیان

ویراستار: روح‌الله مهدی‌بناد

صفحه‌آرا: سجاد دادخواه

طرح جلد: سارا شهبازی

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۰ قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

آدرس: مشهد - بزرگراه شهید کلانتری - حد فاصل میدان جمهوری اسلامی و میدان

جهاد - مجتمع فرهنگی آیه‌ها - کنگره بزرگداشت ۲۳۰۰ شهید استان‌های خراسان

تلفن: ۰۵۱۱-۸۷۱۷۰۲۶-۷ شماره: ۰۵۱۱-۸۷۱۷۰۲۵

سامانه پیام کوتاه (SMS): ۳۰۰۰۷۶۵۲۴۴

سامانه اینترنتی: www.shohada.org - www.shohadakhhr.com

پست الکترونیک: info@shohadakhhr.com

۷.....مقدمه

۱۰.....زندگینامه شهید

خاطرات

۱۴.....فرصت از دست رفته

۱۵.....مقاله بودار

۱۶.....مسجدی برای پادگان

۱۷.....کتاب

۱۸.....کمک

۱۹.....ماموریت با اسب

۲۰.....خستگی ناپذیر

۲۱.....پشتیان

۲۲.....شرط ازدواج

۲۳.....ارزش دو چرخه

۲۴.....یک روز از جبهه

۲۶.....سنگر یک نفره

۲۷.....خودسازی

۲۸.....تدبیر

۲۹.....بهترین نفر برای ادوات

۳۰.....تقویت روح

۳۱.....قراری با خدا

۳۲.....مثل من پوتین به پا نکنید!

۳۳.....حنابندان

۳۴.....انجام وظیفه

۳۵.....مرخصی دوباره

۳۶.....دست دوستی

۳۷.....فرماندهای دوست داشتنی

۳۸.....	برکت یگان.....
۴۰.....	می خواهم شهیدتان کنم!
۴۱.....	آمار درست و حسابی.....
۴۲.....	او که سرباز بود!
۴۳.....	همیشه آماده ایم.....
۴۴.....	صبر فرمانده.....
۴۵.....	مانور ناآگاهانه.....
۴۶.....	کلانفرنگی.....
۴۷.....	بیت‌المال.....
۴۸.....	سلبسکی.....
۴۹.....	به یاد شهید.....
۵۰.....	قرعه‌ی بهشت.....
۵۱.....	یادگاری از جبهه.....
۵۲.....	فراموش ناشدنی.....
۵۳.....	قاب عکس.....
۵۵.....	عملیات آخر.....
۵۶.....	فرار غیرمنتظره!
۵۸.....	باور نداشتم.....

داستان‌ها

۶۰.....	خان عمو.....
۶۲.....	چشم‌به‌راه.....
۶۷.....	طعم شیرین انگور.....
۷۱.....	جای خالی یک کیوتر!
۷۴.....	برگی از خاطرات.....
۷۷.....	دستی برای خداحافظی.....

به جای مقدمه

باید تن خاکی‌ام را آماده کنم برای سفری گریزناپذیر. باید چمدانم را ببندم از سپیدترین آیات هستی و پلک‌هایم را روی هم گذارم از فریب اطلسی‌ها! ای گام‌های من! سپید پیش روید و در سیاهی قدم مگذارید، چون آنان که دور از سیاهی‌ها شدند. ای دست‌های ملتمس به دعا! آن قدر بکوشید تا بالی برای رهاشدن شوید؛ بالی برای پروازی کبوترانه، چون آنان که کبوترانه از خاک به آسمان بهشتی وصف‌ناشدنی پر کشیدند. ای چشم‌های همیشه منتظر! چشم بر دنیای ناامیدی‌ها ببندید و به عروجی سرخ بیندیشید، چون آنان که در تصویر نگاهشان پروازی تا رسیدن به یار را ترسیم کردند.

و ای تن! یاری‌ام کن تا مرداب‌زده نشوم و به دریا، اقیانوس و فراتر از آنچه در حدیث و بیان است بیندیشم. بیایید عهد کنیم که حتی لحظه‌ای از یاد معبود غافل نمانیم.

آخر سرای ابدی باید ساخت و ایمان باید داشت که دنیا چشم برهم زدن

کودک بازیگوشی بیش نیست.

این دفتر، رد پای خاطرات اوایی است که چمدان زندگی اش را بست از سپیدترین آیات هستی؛ و به دور از سیاهی ها، کبوترانه تا فردوس یار عروج کرد. سرداری که روزی چون من و تو، زمینی بود اما با گام گذاشتن در راه معبود، از مرکاب زندگی رها شد و به اقیانوس بی کران شهادت پیوست.

www.ketab.ir